**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه چهل و پنجم\_17 دی 1397**

برای اینکه حقیقت بحث در مساله خبر واحد بهتر روشن شود، دقت در کلام شیخ الطائفه اعلی الله مقامه الشریف قطعا لازم است، ما در ابتدای بحث خبر واحد، بخشی از فرمایش شیخ را در عده نقل کردیم، آن جا غرض مان این بود که محل بحث روشن بشود، روشن شد که بحث در خبر واحد این است که روایت حتما باید رواتش متعدد باشند، متواتر باشند تا حجت شود، یا غیر متواتر هم حجت دارد، منظورمان از حجت این است که از جهت واحد بودن مشکلی ندارد. بله ممکن است شرائط دیگری نیاز داشته باشد. از جهت واحد بودن مشکلی ندارد خبر واحد، شیخ طوسی در صفحه 97 به بعد وارد این بحث می شود، اقوال علماء اهل سنت را در مورد خبر واحد نقل می کند، می رسد به صفحه 100:

و الذی اذهب الیه انّ خبر الواحد لا یوجب العلم، خبر واحد قطع آور نیست، ولی و انّه کان یجوزُ ان تردَ العبادَة بالعملِ به عقلاً. عبادت یعنی تعبد. تعبد به خبر واحد کنیم و بر طبقش عمل کنیم. در برابر مثل ابن قبه و دیگران که می گویند عمل به خبر واحد عقلا محال است.

و قد ورد جواز عمل به فی الشرع اما این معنی­اش این نیست که دیگر هیچ شرط و شروطی نباشد الا انّ ذلک موقوفٌ علی طریقٍ مخصوص و هو ما یرویه من کان من الطائفة المحقة البته ایشان بعدا روایت موثقین از اهل خلاف و موثقین از شیعیان غیر اثنی عشری. را مطرح می کند که چه حکمی دارد ولی فعلا می گوییم ما یرویه من کان من الطائفة المحقة و یختص بروایته یعنی یک وقت هست یک روایتی را هم ما نقل می کنیم و هم اهل سنت، مورد قبول هر دو طائفه است این مورد بحث نیست، جایی را بحث می کنیم که ما یختص بروایته. ان جایی که راوی شیعی دارد ولی اهل سنت ندارند.

و یکون علی صفة (این روایت صفتی داشته باشد) یجوز معها قبول خبره من العدالة وغیرها.

(پس سه شرط را تا اینجا گفت؛ یکی راوی از طائفه امامیه باشد دوم این روایت نظیر و شبیهی در روایات عامه نداشته باشد؛ سوم هم این که ویژگی هایی برای این راوی باشد مثل عدالت و وثاقت و امثال ذلک)

بعد شروع می کند از ص 100 به بعد رد اقوال دیگر. ان ها را مراجعه کنید تا می رسد به صفحه 126. در صفحه 100 گفت:

و الذی اذهب الیه

در صفحه 126 می فرماید:

فما ما اخترته من المذهب (فتوا به خبر واحد) فهو انَّ خبرَ الواحد اذا کانَ وارداً مِن طریقِ اصحابنا القائلین بالامامةِ

آقای زنجانی می فرماید اصحابنا هر جا بود می خواهند نفی زیدیه کنند چون زیدیه راه و روش افتائشان با ما تفاوت اساسی دارد اگر چه امامت را تا امام سجاد هم بپذیرند ولی مشی ان ها قریب به اهل سنت است و ان ها را جز اصاحابنا حساب نمی کنیم. اما فطحیه و واقفیه که از نظر فقهی استنباطشان به ما نزدیک است می توانیم بگوییم اصحابنا منتها این جا اصحابنا ببینیم منظور چیست؟

القائلین بالامامة

(آقای زنجانی می فرماید اصطلاح امامیه در کلمات دو معنا دارد؛ یکیش همان شیعه اثنی عشری است. اصطلاح دومش کسانی را که امامت ائمه اطهار را ولو بعضیشان را قبول دارند به این ها هم گاهی امامیه می گویند. یک معنای عامی است برای امامیه در مقابل اهل سنت. حال ایشان می گوید باید دقت کرد که مراد شیخ طوسی از القائلین بالامامة کیست؟ پاسخ نداده است.

یک پرانتز ایشان باز می کند در مورد قاضی نعمان مصری صاحب دعائم الاسلام، ایشان قاضی القضاة مصر است در زمان خلافت فاطمیان که کتابش هم قانون اساسی ان دولت است. بعضی ها می گویند ایشان اسماعیلی است و مرحوم حاجی نوری در مستدرک به دنبال این است که بگوید ایشان شیعه اثنی عشری است و ان جا حفظ ظاهر می کرده است. دلیل شان یک عبارتی است از این خلکان که گفته است ایشان ابتدا جز عامه و ظاهرا مالکی بود ثم صار امامیاً. بقیه هم این را گفته اند که صار امامیا یعنی شیعه اثنی عشری.

آقای زنجانی اشکال دقیقی دارد می گوید این ابن خلکان که می گوید امامیا یعنی امامی در مقابل اهل سنت است که اسماعیلیه را هم می گیرد. و الّا هم خود قاضی نعمان و هم دو پسرش در تحکیم مذهب اسماعلیه نقش مهمی داشتند و کتاب هم نوشتند. نه اینکه ابن خلکان چیز دیگری را کشف کرده باشد.)

ان خبر الواحد اذا کان واردا من طریق اصحابنا القائلین بالامامة

در صفحه 100 گفت و هو ما یرویه من کان من الطائفة المحقة

ان را قرینه بگیرید بر این جا که به ان ها طائفه محقه قطعا نمیگویند و سوال آقای زنجانی قطعا جوابش واضح است.

و کان ذلک مرویا عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم

این اشاره است به حرف اهل سنت که مروی از اصحاب را خبر واحد می دانند

او عن واحد من الائمه علیهم السلام

شرط سوم:

و کان ممن لا یطعن فی روایته و یکون سدیدا فی نقله

گاهی یک نفر هست امامی است اما ابای از دروغ گفتن ندارد.

شرط چهارم:

و لم تکن هناک قرینةٌ تدلُّ علی صحة ما تضمنه الخبر

من خبر واحدی را که می گویم خبر واحد محفوف به قرینه را نمی گویم چون اگر محفوف به قرینه بود حجیتش را از قرینه می گیرد نه از خبر واحد عدل ثقه. من میخواهم حجیت را از خبر واحد عدل ثقه بگیرد لانه ان کان هناک قرینة تدل علی صحة ذلک کان الاعتبارُ بالقرینة و کان ذلک موجبا للعلم.

اگر روایتی این جوری بود جاز العمل به.

این کلمه جاز به چه معناست.

آقای زنجانی می گوید می توانی به این عمل کنی و می توانی هم احتیاط کنی، یعنی جواز به معنای خاص گرفته است اما عرض می کنم جواز اینجا در مقابل توهم منعی است که یک عده داشتند و می گفتند اصلا خبر واحد جواز عمل ندارد که جواز به معنای اعم است.

یک نکته دیگر کلمه صحت بود که گفت قرینه­ایی باشد تدل علی صحة ما تضمنه الخبر. صحت و صحیح دو استدلال است. صحت و صحیح و عند القدماء و عند المتاخرین

در مقدمه کافی دارد آثار الصحیحة عن المعصومین.

یعنی همه روایات من سندا درست است؟ بعضی اینگونه معنا می کنند. نه یعنی من این ها را معتبر می دانم اعم از سند و قرائن.

اما صحیح از زمان ائمه به بعد یعنی ان جایی که سند امامی ثقه باشد.

می گوید قرائن دلالت بکند بر صحت ما تضمنه الخبر این یعنی صحت عند القدما

پس مختار مرحوم شیخ فعلا این است که اگر راوی امامی اثنی عشری بود ثانیا روایتش از معصوم بود نه از صحابه و سوم در نقلش مورد اطمینان بود و چهارم قرینه ایی هم بر وفاق نبود، چون اگر قرینه بر وفاق باشد دیگر حجیت برای قرینه است نه خود خبر. این خبر حجت است.

حال یک سوال. آقای شیخ طوسی یک چیزی را نگفتی فعلا، اگر قرینه بر خلافش بود چه می گویی؟ اگر خبری بود عدل امامی نقل نکرده بود و هیچ مشکلی هم از سند نداشتیم از ائمه هم نقل کرده بود ولی قرینه بر خلاف مضمون بود این جا را چه می گویید.

والذی یدل عل یذلک ( فتوای من) اجماع الفرقة المحقة

آیا ایشان مثل سید مرتضی را نمی بیند که قائل به عدم حجیت است چه باید بکنیم؟

فانّی وجدتُها مجمعتاً علی العمل بهذه الاخبار التی رووها فی تصانیفهم و دوّنوها فی اصولهم

شما ذهنتان را ببرید به طمان اصول اربعة ماة. ان اصولی که کتب اصلی شیعه به حساب می آمده است طائفه به این روایات عمل می­کردند.

و لا تدافعونه حتی ... بماند تا جلسه آینده.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.